

## تو مثل من نباش!

### ایرج جنتی عطایی

اقیانوسی به عمق یک وجب بودم  
تو مثل من نباش  
چراغواره بی همجنس شب بودم  
تو مثل من نباش  
همیشه یی شتاز دایره گردی  
همیشه رو به خود  
همیشه سایه یی از من عقب بودم  
تو مثل من نباش!

ای آینده ی عشق و رویا و تلاش  
تو مثل من نشو تو مثل من نباش

به خود خنجر زدم با یار بد کردم  
امیدو پس زدم رویا رو رد کردم  
کنار زندگی از مرگ پز مردم  
نفس هامو به روی عشق سد کردم  
خودگریزی کردم از تقویم تا تقویم  
بشب برگشتم و پیرانگی کردم  
راهمو کج کردم از گلبرگ و تابستون  
تو بهاری یخ زده پروانگی کردم

ای آینده ی عشق و رویا و تلاش  
تو مثل من نشو تو مثل من نباش

چقد از جشن از خلوت شیم بد شد  
چقد از خاطره از خواب ترسیدم  
چقد اندوه از دیروز با من بود  
چقد دلشوره رو آینده پاشیدم  
گذرگاهم گذار وحشت و کابوس  
تمام راه مالیخولیایی بود  
به عمق پرتگاه همسفر با من  
سقوطم شکل پرواز رهایی بود

ای آینده ی عشق و رویا و تلاش  
تو مثل من نشو تو مثل من نباش

نشه غول زمینگیر درون تو  
ققس تو فصل پروازت بیارونه  
نشه مترسک تسلیم و تنهایی  
پرنده های رویاتو بتارونه  
نشه برگردی از رفتن  
نشه گمشی تو گم بودن  
نشه بعد گریز از خود  
بشی چیزی شبیه من!

ای آینده ی عشق و رویا و تلاش  
تو مثل من نشو تو مثل من نباش